



نقش ایجاب و قبول در ایجاد تعهدات

سید محسن یوسفی بداف^۱، داریوش بابایی^۲

۱. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج.
۲. استادیار پایه هفتم، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج.

چکیده

قصد و اراده ی متعاملین و چگونگی اعلام آن برای انعقاد عقد و هدایت انشاء، از ضروری ترین نکاتی است که در بررسی معاملات و انعقاد عقود، صرف نظر از روش و وسیله ی اعلان و ابراز مورد توجه حقوقدانان قرار می گیرد. لیکن همانطور که پیش از این نیز بدان اشاره شده است، بر مبنای اصل حاکمیت اراده، قصد انشایی طرفین به وجود آورنده عقد در عالم اعتبار است، اما برای تاثیر آن شرایطی لازم است. بر این اساس هر عقدی مرکب از دو عنصر ایجاب و قبول است. بدین معنا طرفی که می‌خواهد عقد را منعقد کند ایجاب عقد را انجام می‌دهد و طرف دیگر آن را قبول می‌کند که هر کدام از این ایجاب و قبول مشتمل بر الفاظی است که دلالت بر ایجاب و قبول می‌کند. آنچه مسلم است آن که در تحقق ایجاب و قبول ممکن است، قصد طرفین کتبی یا شفاهی، لفظی یا عملی باشد و همچنین توالی عرفی در بین این دو لفظ برقرار باشد. پژوهشگر در این مقاله بر آن است تا با رجوع به کتب حقوقی و مقالات معتبر از روش کتابخانه ای به تحلیل و توصیف موضوع بپردازد.

کلید واژگان: ایجاب، قبول، اراده، عقد، توالی، سکوت.

مقدمه

قرارداد محصول و نتیجه توافق میان طرفین آن است و بسیاری از مباحث حقوقی قراردادها به جریان حصول این توافق و مفاد و محتوای توافق حاصله مربوط میگردد. با این حال توصیف یک قرارداد به عنوان یک توافق، موکول و مقید به شرایط مهم و متعددی است. به طور کلی جریان و فرایندی را که به وسیله آن طرفین قراردادی به توافق و تراضی میرسند، میتوان به قبول از ناحیه یک طرف، نسبت به ایجابی که از سوی طرف دیگر مطرح شده است، تجزیه و تحلیل نمود. بنابراین در عرصه روابط اجتماعی برای اینکه حقی که ریشه آن اراده شخص یا اشخاص باشد، بوجود بیاید و موجودی به نام عقد تولد یابد، بتردید عناصری مانند ایجاب، قبول و قصد، رضا و مانند آن نقش جوهری و اساسی دارند. بر این اساس، در این مقاله برای آشنایی بیشتر خواننده با مفاهیم طرح شده در مقدمه همچنین با چارچوب مقاله در ابتدا سوالاتی طرح شده تا با پاسخ تفصیلی به این سوالات ذهن خواننده نسبت به موضوعات مطروحه و توالی

^۱ - یوسفی بداف، سید محسن دانشجوی دکترای حقوق خصوصی. دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج. smy.lawer@yahoo.com

^۲ - بابایی، داریوش، استادیار پایه هفتم، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج. Dr.babaei@yahoo.com



آنها آشنایی بیابد و در نهایت در خصوص مقاله نتیجه گیری شده است. لیکن نخست به تعاریف ایجاب و قبول و شرایط آنها و مقایسه ایجاب و دعوت به مذاکره و همچنین توالی و مطابقت ایجاب و قبول و در انتها نقش ایجاب و قبول در عقد نکاح رداخته شده است.

۱- نقش ایجاب

۱-۱- مفهوم ایجاب

ایجاب در لغت مصدر باب «افعال» از ریشه «وَجَبَ» به معنای لازم کردن، واقع ساختن و ثابت نمودن (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۵۱۰/۱) و در اصطلاح اعلام اراده‌ی یک شخص به شخص دیگر برای انعقاد قرارداد می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۰۴) در واقع ایجاب، پیشنهاد انجام یک معامله به شخص دیگر است. شخصی که چنین پیشنهادی را اعلام می‌نماید «موجب» نامیده می‌شود. در واقع، برای تشکیل عقد نیاز به همکاری دوطرف وجود دارد که شرط اولیه این همکاری آگاهی طرفین از نیت درونی یکدیگر است و تا این قصد درونی ابراز نگردد تشکیل عقد متصور نخواهد بود. از ماده ۱۹۱ قانون مدنی نیز استنباط می‌گردد که نیت درونی افراد باید با چیزی بیان شود. لذا در تعریف ایجاب چنین گفته شده است. "ایجاب عبارت است از اولین قصد انشایی که از جانب یک طرف (موجب) به طرفیت شخص دیگری صادر میشود. و به نحوی کامل است که اگر طرف مقابل آن را پذیرفت بدون نیاز به عمل بعدی" طرفین به مفاد آن پایبند باشند. " (شریفی آل هاشم، ۱۳۸۶) با این حال، نحوه تنظیم عبارات ماده مذکور، روشن می‌شود که سازنده عقد، اراده انشایی است نه اعلام اراده، منتها این اراده به طور مطلق، سازنده عقد نیست و برای تشکیل عقد، صرف قصد انشای آن در درون و ظرف ذهن موثرن میباشد، بلکه برای خلاقیت اراده تقارن آن با وسیله ای که آن را نشان دهد، لازم است.

۱-۲- تفاوت ایجاب و دعوت به مذاکره

در واقع ایجاب با دعوت به مذاکره دارای تفاوت می‌باشد، در ایجاب شخص قصد قطعی بر انجام معامله دارد و در صورتی که طرف معامله، ایجاب را قبول نماید قرارداد منعقد می‌گردد در حالی که در دعوت به مذاکره، شخص تنها پیشنهاد گفت و گو و مذاکره در مورد قرارداد را به طرف دیگر می‌دهد و هیچ الزامی برای انجام معامله وجود ندارد. در مواردی تشخیص این که یک پیشنهاد، ایجاب بوده یا دعوت به مذاکره دشوار است. در این موارد و در صورت ایجاد اختلاف، دادگاه با توجه به اوضاع و احوال تشخیص می‌دهد که پیشنهاد ارائه شده ایجاب بوده یا منظور از پیشنهاد، تنها دعوت به مذاکره در خصوص معامله بوده است. (صفایی، ۱۳۸۴: ۶۹/۲) برای درک بهتر تفاوت ایجاب و دعوت به مذاکره باید به اراده افراد در خصوص ایجاب و قبول نظر داشت.

پرسشی که در این بحث پیرامون اراده مطرح می‌شود این است که آیا برای شکل گیری عقد، اراده درونی صرف کفایت می‌کند یا نیاز به مبرز و کاشف خارجی دارد؟ اگر قایل شویم که برای شکل گیری عقد اراده درونی کفایت میکند، نتیجه حاصله این خواهد بود، در صورتی که قابل تمایل به پذیرش ایجاب داشته باشد و در درون خود این امر را اراده کند. در واقع، ایجاب، انشای بالفعل عقد با اراده ابراز شده می‌باشد. در صورتی که وعده عقد چیزی جز ک قول عرفی، برای ایجاد عقد در آینده نیست.



۳- شرایط ایجاب

۳-۱- معلوم بودن مفاد ایجاب

مفاد ایجاب باید معلوم باشد (شهییدی، ۱۳۸۶: ۱۵۸) یعنی نوع عقد و موضوع قرارداد مبهم نباشد زیرا دو طرف باید بدانند که چه نوع معامله‌ای می‌نمایند و موضوع آن چیست، در غیر این صورت توافق جهت انعقاد معامله شکل نمی‌گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۴/۱) مثلاً باید معلوم باشد که نوع عقد بیع است یا اجاره یا هبه و باید معلوم باشد که چه چیزی موضوع قرارداد است.

۳-۲- صریح و روشن بودن ایجاب

ایجاب بایستی صریح و روشن باشد و در آن به شرایط لازم برای انجام معامله اشاره شود؛ در غیر این صورت پیشنهاد ارائه شده ایجاب محسوب نمی‌گردد. به‌علاوه در ایجاب شرط نیست که حتماً نسبت به شخص معینی باشد بلکه ممکن است ایجاب نسبت به همه‌ی مردم داده شود. در مواردی که ایجاب مربوط به شخص معینی نمی‌باشد، هر شخصی می‌تواند این ایجاب را قبول نماید و پس از قبول، معامله منعقد می‌گردد. البته در برخی قراردادها که شخصیت طرف معامله دارای اهمیت است، موجب می‌تواند با توجه به شخصیت قبول‌کننده، قبول را نپذیرد. (صفایی، ۱۳۸۴: ۶۸/۲)

۳-۳- الزام آور بودن ایجاب

پس از آن‌که شخص برای انجام معامله ایجاب داد تا قبل از این‌که کسی این ایجاب را قبول نماید، ایجاب او الزام‌آور نیست و او می‌تواند از ایجاب خود رجوع نماید و از انجام معامله صرف‌نظر نماید زیرا به‌صرف ارائه‌ی ایجاب برای شخص موجب ایجاد تعهد و الزام نمی‌شود. البته در صورتی که موجب (ایجاب‌دهنده) مهلتی را برای ابراز قبولی از سوی دیگران تعیین نماید، تا قبل از اتمام این مهلت، او ملزم به ایجاب خود است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۵۱۳/۱)

۳-۴- اهلیت ایجاب‌دهنده

طبق ماده ۲۱۰ قانون مدنی برای اینکه معامله معتبر باشد طرفین آن باید دارای اهلیت^۱ باشند که منظور اهلیت استیفا است و مطابق ماده ۲۱۱ ق.م. اهلیت در صورتی محقق می‌شود که شخص بالغ و عاقل و رشید باشد. (شهییدی، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸) باید گفت هر قانون از اهلیت به طور مطلق نام برده، منظور اهلیت استیفاء مگر آنکه قرینه‌ای بر خلاف آن وجود داشته باشد. (شهییدی، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸) به هر حال، ممکن است شخصی که ایجاب داده است اهلیت خود را از دست بدهد. چنان‌چه قبل از این‌که این ایجاب مورد قبول واقع شود، ایجاب‌دهنده مجنون شود و یا بمیرد، ایجاب او نیز دیگر معتبر نخواهد بود زیرا اراده‌ی شخص ایجاب‌دهنده از بین رفته است و بنابراین توافق اراده‌ای که برای انعقاد قرارداد لازم است، شکل نمی‌گیرد. (صفایی، ۱۳۸۴: ۷۱/۲)

۱ - چنان‌چه موجب قبل از اتمام مهلت از ایجاب خود برگردد و باعث شود زیانی به شخصی که ایجاب به او ارائه شده وارد گردد، بایستی زیان وارده را جبران نماید. مثل این‌که شخصی به دیگری برای فروش یکی از اموالش ایجاب می‌دهد و برای ارائه‌ی قبولی یک مهلت دوماهه تعیین می‌کنند. در صورتی که موجب قبل از پایان این مهلت از ایجابش برگردد و طرف مقابل نیز در آن مدت برای تهیه‌ی قیمت آن مال، اموالش را زیر قیمت فروخته باشد، موجب مسئول جبران این خسارت است.

۲ - اهلیت به معنای سزاوار بودن، شایستگی، صلاحیت، استحقاق و قابلیت، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸/۵۲۹) و عبارتست از دارا بودن ویژگی‌ها و شرایط لازم قانونی برای دارا شدن و اعمال و اجرای حقوق و آزادی‌های فردی و تصرف در اموال و حقوق مالی. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۷: ۱۴۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۸۷-۲۸۹)



۳-۵- مدت اعتبار ایجاب

از آنجا که ایجاب‌دهنده ایجاب را ایجاد می‌نماید، تعیین مدتی را که این ایجاب معتبر خواهد بود و قبولی شخص دیگر می‌تواند در آن مدت اعلام شود و در نهایت قرارداد تشکیل شود، با خود او است. این مدت به سه طریق معلوم می‌شود: (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۳) ۱- گاهی موجب مدت معینی را برای بقای ایجاب خود و اعلام قبولی مشخص نموده است. در این صورت قبول باید در همان مدت اعلام شود و در غیر این صورت قبول بی‌اثر خواهد بود. ۲- گاهی موجب در ایجابش اعلام می‌نماید که قبول باید فوراً اعلام شود والا ایجابش از بین خواهد رفت. در این موارد تشخیص این که قبول فوراً اعلام شده یا با تأخیر اعلام شده با عرف است و در موارد مختلف متفاوت می‌باشد. ۳- در صورتی که ایجاب‌دهنده برای ایجاب مهلتی معین ننموده باشد، برای تعیین مهلتی که قبول می‌تواند به این ایجاب ضمیمه شود باید به عرف رجوع نمود و عرف نیز در هر مورد، برحسب اوضاع و احوال این مدت را تعیین می‌نماید.

۳-۵- زوال ایجاب

ایجاب ممکن است به دلایلی از بین برود بدون این که نیاز به رجوع ایجاب‌دهنده باشد که عبارتند از: (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱/۳۱۷) ۱- اتمام مهلت ایجاب و عدم اعلام قبولی در آن مهلت. ۲- مرگ و عدم اهلیت ایجاب‌دهنده پیش از اعلام قبولی ۳- رد ایجاب توسط پذیرنده. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱/۳۲۹) ۴- ایجاب متقابل یا قبولی مشروط که منصرف به رد ضمنی ایجاب است (ضرابی، ۱۳۸۸: ۴۷) در واقع، اگر ایجاب با ایجاب دیگری پاسخ داده شود در این صورت ایجاب اول از بین می‌رود و ایجابی که بواسطه ایجاب گیرنده پیشنهاد شده است ایجاب متقابل نامیده می‌شود (شهیدیان و عبدی، ۱۳۷۵: ۹)

۴- نقش قبول

۴-۱- مفهوم قبول

قبول در لغت به معنای پذیرش و پذیرفتن و در اصطلاح رضایت به ایجاب ابراز شده برای انعقاد قرارداد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۳/۱۵۰۷) است. به شخص پذیرنده ایجاب «قابل» می‌گویند. اراده مخاطب ایجاب بر انشاء عقد قبول نام دارد، قبول نیز مانند ایجاب انشا و عمل حقوقی مستقل محسوب نمی‌شود، قبول باید کاملاً منطبق با مفاد ایجاب باشد، قبول کننده نمی‌تواند بر آنچه موجب ایجاب کرده چیزی بیفزاید یا کم کند بنابر این قبولی باید بدون قید و شرط، منطبق با ایجاب، انشاء و اعلام شود. (شهیدی، ۱۳۸۹: ۵۴) همچنین در صورتی که ایجاب کننده برای اعلام قبولی از سوی طرف مقابل مهلتی معین نموده باشد، قبولی باید در همان زمان تعیین شده اعلام شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۰۵) چنانچه برای اعلام قبولی مهلتی معین نشده باشد، ایجاب باید در زمانی اعلام شود که بتوان گفت بین ایجاب و قبول عرفاً ارتباطی برقرار است. در هر حال تعیین زمانی که قبولی می‌تواند اعلام شود، در هر مورد براساس شرایط و اوضاع و احوال معلوم می‌شود. (صفایی، ۱۳۸۴: ۷۲/۲)

۴-۲- قبولی پیش از ایجاب

منظور از قبولی پیش از ایجاب اولین انشایی است که به صورت قبولی انشای آینده به طرف دیگر ابراز می‌شود. در واقع، برای تشکیل عقد، همکاری اراده طرفین لازم است و هر چند عادتاً ایجاب مقدم بر قبول است، اما تحقق این همکاری تفاوتی بین صورت تقدم ایجاب بر قبول یا برعکس وجود ندارد. مفهوم قبول در اینجا حقیقت انشای ابراز شده اول یکی از دو طرف عقد می‌باشد. (شهیدی، ۱۳۸۹: ۵۵)



۵- نحوه‌ی اعلام ایجاب و قبول

ایجاب و قبول ممکن است به موجب الفاظ، اشاره، عمل و نوشته باشد. بنابراین ایجاب و قبول ممکن است به موجب کلمات و الفاظ باشد. مطابق ماده‌ی ۱۹۲ق.م. در صورتی که برای هر دو طرف یا یکی از طرفین قرارداد، به کار بردن الفاظ ممکن نباشد، قرارداد با اشاره نیز منعقد می‌گردد. البته اشاره باید به گونه‌ای باشد که نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی شخص بر انعقاد معامله بوده و شکی در آن نباشد.

ممکن است طرفین برای اعلام اراده عملی انجام دهند که نشان‌دهنده‌ی ایجاب و قبول باشد. چنین معامله‌ای، معامله‌ی معاطاتی نام دارد. نوشته نیز می‌تواند در ایجاب و قبول جای لفظ را بگیرد. باید توجه داشت در مواردی که استفاده از لفظ مطابق قانون الزامی باشد (مانند نکاح) انعقاد معامله به طریق دیگری ممکن نیست. (صفایی، ۱۳۸۴: ۶۴/۲) (ماده‌ی ۱۰۶۲ق.م.)

۵-۱- توالی ایجاب و قبول

توالی در لغت به معنی پی در پی بودن و پشت سر هم قرار داشتن است. توالی یا موالات در ایجاب و قبول به این معناست که پس از اعلام ایجاب از ناحیه یک طرف باید قبولی از ناحیه طرف دیگر اعلام شود و با زمان ایجاب چندان فاصله نداشته باشد که عرفاً آن را مربوط به ایجاب می‌دانند. (اسماعیلی هریسی، ۱۳۸۸: ۳۸۷) لذا ایجاب مادام که به قبول متصل نشده است اثر حقوقی ندارد و بقای آن پیش از قبول، متکی به اراده موجب است و موجب هر زمان بخواهد می‌تواند پیش از انضمام قبول از ایجاب عدول کند اما باید دانست مدت بقای هر ایجاب قبل از انضمام قبول به آن محدود است و پس از پایان آن مدت دیگر ایجابی باقی نمی‌ماند تا با انضمام به قبول، عقدی را تشکیل دهد.

اصولاً مدت بقای ایجاب تابع اراده موجب است و او می‌تواند مدتی را برای قابلیت ترکیب آن با قبول تعیین کند که در این صورت تا زمانیکه موجب آن را الغا نکند، تا پایان مدت مزبور، بر حسب موضوع و شرایط، تابع عرف خواهد بود؛ بنا بر این توالی لازم بین ایجاب و قبول برای تشکیل عقد توالی عرفی است. (شهیدی، ۱۳۸۹: ۵۶) لذا فاصله‌ی بین قبول و ایجاب در هر معامله‌ای باید به اندازه‌ای باشد که عرف آن قبول را مربوط به ایجاب بدانند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۰) البته در هر معامله‌ای با توجه به اوضاع و احوال و شرایط قرارداد، فاصله‌ی مجاز بین ابراز ایجاب و اعلام قبول تعیین می‌شود. به عبارت دیگر بین ایجاب و قبول باید موالات باشد یعنی عرفاً پی‌درپی باشند. مثلاً در قراردادهایی که با نامه‌نگاری منعقد می‌شود این فاصله بیشتر از موارد معمولی است. ماده‌ی ۱۰۷۱ق.م نیز این حکم را بیان نموده است البته این ماده در ارتباط با نکاح است اما باید توجه داشت که این حکم در همه‌ی قراردادها اجرا می‌شود و به نکاح اختصاص ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۴۹)

در کل می‌توان اذعان داشت که ایجاب به علت اینکه قابلیت بقا ندارد و عمر ایجاب محدود است وابسته به شرایط و اوضاع و احوال است بنابراین ایجاب زمان طولانی قابلیت بقا و استمرار ندارد و بایستی توالی بین ایجاب و قبول باشد در ماده ۱۰۶۵ قانون مدنی ذکر شده توالی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است که بر این اساس در سایر موارد می‌توان آن را تعمیم داد (شرافت پیمان، ۱۳۹۰)

۵-۲- مطابقت ایجاب و قبول

یک قرارداد در صورتی ایجاد می‌شود که مفاد ایجاب و قبول منطبق بر یکدیگر باشند. یعنی قابل همان چیزی را قبول کرده باشد که موجب آن را اراده نموده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۲) بنابراین، نفوذ قبول و اثر آن در وقوع عقد منوط بر این است که ارتباط عرفی آن با ایجاب محفوظ بماند و یا به عبارت دیگر در زمانی قبول اعلام شود که ایجاب هنوز حیات اعتباری خود را از دست نداده است.



۵-۳- ایجاب و قبول توسط شخص واحد

در مواردی که یک شخص به تنهایی قرارداد را ایجاد می‌کند، ابراز اراده و اعلام ایجاب و قبول برای تشکیل عقد لازم نیست زیرا ابراز اراده صرفاً به دلیل آگاهی طرف مقابل از قصد شخص بر انعقاد قرارداد است، مثلاً شخصی به نمایندگی از یک طرف، وکیل در فروش خانه و به نمایندگی از طرف دیگر قرارداد، وکیل در خرید آن خانه است. در این مثال، نیازی به این اعلام اراده نمی‌باشد. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۴۳)

۵-۴- وضعیت شخص ساکت در ایجاب و قبول

سکوت از نظر لغوی به معنای خاموش شدن و خاموشی با توانایی سخن گفتن (دهخدا، ۱۳۴۵: ۲۹/۲۰) و ساکت گشتن (معین، ۱۳۴۲: ۲/۱۹۰۱) آمده است. سکوت خودداری از گفتن است و دلالت بر رضا نمی‌کند و از همینجا معروف است که: لاینسب لساکت قول... (یعنی به شخصی که سکوت اختیار می‌کند، اسناد قولی نمی‌دهند و از سکوت او کشف قصد و رضا نمی‌کنند) لذا در عقد نکاح، سکوت باکره در حکم رضا است ولی این نکته به سبب عرف زمان، فرق می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۶۰). بنابراین، سکوت وضع کسی است که بطور صریح اراده خود را بیان نمی‌کند و کاری هم انجام نمی‌دهد که بطور غیرمستقیم و به عنوان ملازمه با رفتار او بتوان اراده اش را استنباط کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱/۲۶۱). به هر حال، آن چه در حقوق مورد بحث قرار می‌گیرد سکوت مطلق است که همراه باقراینی باشد که از مجموع آنها دلالت بر انشای عقد فهمیده شود.

شخص ساکت وضعیت مبهمی دارد و نمی‌توان قبول یا رد ایجاب را به او نسبت داد زیرا سکوت نشان‌دهنده قصد و اراده نیست و نمی‌توان گفت شخصی که ساکت است قصد انجام معامله را دارد. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۴۷) لذا در یک عقد ممکن است طرفین توافق نمایند که قبولی نیاز به اعلام نداشته باشد و صرف سکوت قبول طرف مقابل محسوب شود. در واقع، هر جا که بر مبنای دلالت عرف بتوان سکوت را کاشف از قصد باطنی شمرد بایستی ایجاب را قبول شده دانست و دو طرف را پایبند به قرارداد ساخت زیرا، بر مبنای اصل رضایی بودن معاملات، اگر منع خاصی در قوانین نباشد وسیله کشف اراده اثری در نفوذ آن ندارد. آن چه باعث بی اعتباری سکوت در بیان اراده می‌شود ابهامی است که در وضع ساکت وجود دارد و نگرانی از این است که عقد بر او تحمیل شود و گر نه هیچ تفاوتی بین الفاظ یا افعالی که دلالت بر قبول کند وجود ندارد منتهی در این راه بایستی با احتیاط گام برداشت و سکوتی را به منزله قبول شناخت که در دلالت آن تردید نباشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱/۲۶۴) در کل می‌توان گفت که سکوت محض نمی‌تواند بیانگر نیت باطنی افراد باشد لذا نظامهای مختلف حقوقی اعتباری برای آن قائل نشده‌اند و به سکوتی اعتبار داده‌اند که همراه با قرائنی دال بر رضایت و قبول شخص باشد؛ بنابراین، سکوت در حقوق ایران علی‌الاصول علامت رضایت نیست (ماده ۲۴۹ ق.م) مگر در عقد اجاره (ماده ۵۰۱ ق.م) که سکوت موجر پس از انقضای عقد نشانه رضایت وی است نسبت به ادامه تصرف مستاجر (ضرابی، ۱۳۸۸: ۴۶)

۶- تشخیص تحلیلی زمان و مکان تشکیل عقد

قرارداد به منزله یک ماهیت اعتباری مانند هر موجود بعد زمان و مکان است دارد. تعیین زمان و مکان انعقاد قرارداد آثاری متفاوتی به دنبال دارد. مکان انعقاد عقد بر اساس زمان تشکیل آن تعیین می‌شود. زمانی که قرارداد در یک مجلس منعقد می‌شود؛ یعنی ایجاب کننده و قبول کننده در یک مجلس، قرارداد را

۱ - منظور از سکوت مطلق، سکوتی است فاقد هر گونه حرکت دیگری مثل اشاره، عمل و غیره باشد. لذا در تعریف سکوت میتوان گفت: عدم رد قولی یا فعلی موجب که به ضمیمه قراین موجود، از آن رضایت استنباط میگردد. (قنواتی، ۱۳۸۳: ۶۰)



منعقد می کنند مشکلی در تعیین زمان و مکان قرارداد وجود نخواهد داشت. مشکل و مباحث حقوقی متعدد زمانی مطرح می شوند که طرفین قرارداد از لحاظ زمانی و مکانی از یکدیگر فاصله دارند. (قربان وند، ۱۳۸۹: ۲۷۱)

در معاملات معمولی که طرفین در حضور یکدیگر مبادرت به تشکیل عقد می کنند و ایجاب و قبول به فاصله زمانی بسیار کوتاهی نسبت به هم واقع می شود، تعیین زمان و مکان تشکیل عقد زمینه طرح بحث های مهمی را فراهم نمی سازد. زیرا ایجاب و قبول طرفین در یک مکان و تقریباً در یک زمان صادر و به اطلاع طرفین می رسد. اما در پاره ای از معاملات، مانند معامله ای که بین دو طرف که در دو مکان مختلف هستند، مورد بحث های مهمی قرار گرفته و اظهار نظر های متفاوتی را سبب گردیده است. در این مورد تعیین هر یک از زمان و مکان تشکیل عقد، با تعیین دیگری ملازمه دارد. در این مسئله چهار نظر زیر ابراز شده است که گاهی از آن به سیستم های چهار گانه تعبیر می شود. ۱- نظریه اعلام. ۲- نظریه ارسال. ۳- نظریه وصول. ۴- نظریه اطلاع.

نظریه مطابق با سیستم حقوقی ایران نظریه ارسال می باشد که قابل دفاع بوده و با مقررات و قواعد و اصول حقوقی سیستم حقوقی کشور ما منطبق می باشد. زیرا آنچه در قانون مدنی به عنوان عامل تشکیل عقد معرفی گردیده است، چیزی بیش از قصد انشای همراه با وسیله ابراز آن نیست و عنصری دیگر نظیر وصول قبول به موجب و اطلاع او بر قبول لازم دانسته نشده است.

ماده ۱۹۱ ق. م. م. مقرر می دارد: «عقد محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». با ملاحظه این ماده می توان استنباط کرد که قصد انشا سازنده عقد است، منتهی شرط تاثیر و سازندگی آن، همراه بودن آن با وسیله ای است که آن را ابراز کند. بدیهی است برای تشکیل عقد که یک عمل حقوقی دو طرفه است، وجود انشای مشروط دو طرف ضروری است. همچنین قصد انشای موجب، همواره با تسلیم نامه به پست محقق شده است و برای تشکیل عقد، صرفاً نیاز به قصد انشای قبول کننده همراه با وسیله ابراز آن می باشد. اما این قصد انشا با شرط تاثیر آن، زمانی تحقق پیدا می کند که نامه حاوی قبول به وسیله قابل تحویل پست شود، نه هنگامی که نامه مزبور نوشته می شود یا به دست موجب می رسد یا موجب از آن مطلع می گردد. زیرا:

اولاً- به صورت نوشتن نامه حاوی قبول نمی توان قصد انشای نویسنده را بر قبول ایجاب احراز کرد ثانیاً- طبق ماده ۱۹۱ ق. م. م. تقارن قصد انشا با وسیله ابراز آن نیز لازم است، قصد انشای هم زمان انداختن نامه در صندوق پست موجب تشکیل عقد است و قصد انشای پیش از این زمان، اگر هم موجود بوده نمی توانسته است اثری در تشکیل عقد داشته باشد، چه این که دلالت بر قصد انشای نسبت به تشکیل عقد دارای جنبه ثبوتی است نه اثباتی و هم زمانی قصد انشاء با دلالت کننده بر آن در قانون لازم شمرده شده است.

ثالثاً- رسیدن نامه حاوی قبول به دست موجب نیز برای تشکیل عقد لازم نیست. زیرا تحویل نامه به پست دلالت بر قصد انشای قابل می کند. رابعاً- اطلاع موجب بر مفاد نامه و قبول طرف نیز، برای وقوع عقد ضروری نیست و نمی توان پذیرفت که تشکیل عقد تا آن زمان به تاخیر می افتد.

نتیجه این که با ارسال نامه حاوی قبول به وسیله، پست تمام ارکان سازنده عقد محقق می شود و عقد در این زمان و مکان ارسال نامه واقع می گردد هر چند که ممکن است اثبات آن منوط به وصول نامه مزبور یا اطلاع بر قبول مندرج در آن باشد در صورتی که نامه حاوی قبول به علتی هرگز به دست ایجاب کننده نرسد، این شخص یا قبول کننده بتواند ارسال نامه را توسط مخاطب ایجاب ثابت کند، تشکیل عقد مورد حکم قرار خواهد گرفت و روشن است که در صورت عدم اثبات این امر، دعوی هر یک از دو طرف دایر بر تشکیل عقد مردود خواهد شد.



۷- ایجاب و قبول در عقد نکاح و توالی آن

مطابق ماده‌ی ۱۰۶۲ق.م: «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید». بنابراین به دلیل اهمیت عقد نکاح، قانون‌گذار به کار بردن لفظ را الزامی نموده تا معلوم شود که طرفین یقیناً قصد نکاح دارند. (صفایی، ۱۳۸۵: ۴۷) البته در صورتی که هر دو طرف و یا یکی از طرفین عقد نکاح لال باشند و نتوانند از الفاظ استفاده نمایند، عقد نکاح با اشاره‌ی شخص لال منعقد می‌گردد. اشاره‌ی شخص لال نیز در صورتی موجب انعقاد نکاح می‌شود که به‌طور یقینی و واضح نشان دهنده‌ی قصد چنین شخصی بر عقد نکاح باشد. (ماده‌ی ۱۰۶۶ق.م) در عقد نکاح ممکن است به دلیل اهمیت شخصیت طرفین تصور شود عقد نکاح بدون اعلام ایجاب و قبول توسط خود زن و شوهر ممکن نیست در حالی که لزومی به اعلام اراده و قصد ازدواج توسط خود زوجین نیست و اعلام ایجاب و قبول ممکن است توسط نماینده‌ی آن‌ها صورت بگیرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۶۱/۲) قانون مدنی در این باره در ماده ۱۰۷۱ بیان می‌دارد: «هر یک از مرد و زن می‌توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.» هم‌چنین در عقد نکاح، ممکن است ایجاب و قبول توسط اشخاصی غیر از زن و مرد اعلام شود. ماده‌ی ۱۰۶۳ق.م: «ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.» این اشخاص عبارتند از پدر و جد پدری که قانوناً حق دارند برای فرزندانشان عقد نکاح منعقد نمایند.

فاصله‌ی بین ایجاب و قبول در عقد نکاح نباید بیش‌تر از حد متعارف باشد. برابر ماده‌ی ۱۰۶۵ق.م پی‌درپی بودن ایجاب و قبول شرط صحیح بودن عقد نکاح است. بنابراین در صورتی که فاصله‌ی بین ایجاب و قبول به اندازه‌ای باشد که نتوان قبول را به ایجاب مرتبط دانست عقد نکاح باطل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش از این بیان گردید، هر عقدی مرکب از دو عنصر ایجاب و قبول است بدین معنی طرفی که می‌خواهد عقد را منعقد کند ایجاب عقد را انجام می‌دهد و طرف دیگر آن را قبول می‌کند که هر کدام از این ایجاب و قبول مشتمل بر الفاظی است که دلالت بر ایجاب و قبول می‌کند. ایجاب باید کامل باشد یعنی باید حاوی تمامی عناصر اصلی قرارداد باشد همچنین ایجاب باید مشخص باشد یعنی نوع عقد و موضوع قرارداد در آن مبهم نماند یا بدون دو یا چند چیز محل تردید نباشد و ایجاب باید قاطع باشد یعنی اعلام اراده به منظور انعقاد قرارداد و ایجاد تعهد بر اجرای مفاد آن باشد. قبول نیز به معنای پذیرش و پذیرفتن و در اصطلاح عبارت است از رضایت به ایجاب ارائه شده برای انعقاد قرارداد قبول باید مطلق و بدون قید و شرط باشد ضمناً بین ایجاب و قبول باید توالی و موالات وجود داشته باشد. در واقع، سکوت در حقوق ایران علی‌الاصول علامت رضایت نیست (ماده ۲۴۹ق.م) مگر در عقد اجاره (ماده ۵۰۱ق.م) در عقد نکاح نیز، هر یک از مرد و زن می‌توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد. هم‌چنین در عقد نکاح، ممکن است ایجاب و قبول توسط اشخاصی غیر از زن و مرد اعلام شود. این اشخاص عبارتند از پدر و جد پدری که قانوناً حق دارند برای فرزندانشان عقد نکاح منعقد نمایند. فاصله‌ی بین ایجاب و قبول در عقد نکاح نباید بیش‌تر از حد متعارف باشد. برابر ماده‌ی ۱۰۶۵ق.م پی‌درپی بودن ایجاب و قبول شرط صحیح بودن عقد نکاح است. بنابراین در صورتی که فاصله‌ی بین ایجاب و قبول به اندازه‌ای باشد که نتوان قبول را به ایجاب مرتبط دانست عقد نکاح باطل خواهد بود.

فهرست منابع:

۱. اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ وکلای جوان بدانند، تهران، انتشارات بهنامی چاپ دوم.
۲. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴)؛ دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، چاپ اول، جلد اول.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)؛ دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.



۵. شرافت پیما، محمد رضا (۱۳۹۰)؛ بیانات درسی مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد بین المللی دانشگاه آزاد بندر انزلی
۶. شریفی آل هاشم، دکتر سید الهام الدین (۱۳۸۶) جزوه درسی حقوق مدنی ۱، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی ره.
۷. شهیدی، مهدی (۱۳۸۸)؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چاپ هفتم.
۸. شهیدی، مهدی (۱۳۸۶)؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم.
۹. شهیدی، مهدی (۱۳۸۹)؛ حقوق مدنی ۳ (تعهدات)، تهران، انتشارات مجد، چاپ ۱۴.
۱۰. شیدائیان، مهدی - عبدی، صادق (۱۳۷۵)؛ نکات مهم حقوق قرارداد، تهران، انتشارات مدین، چاپ اول.
۱۱. صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۵)؛ مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم.
۱۲. صفایی، حسین (۱۳۸۴)؛ حقوق مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، جلد دوم.
۱۳. ضرابی، میترا (۱۳۸۸)؛ خود آموز و راهنمای حقوق مدنی، تهران، نشر طرح نوین اندیشه، چاپ
۱۴. قائمی، هادی (بی تا)، آثار سکوت در برابر ایجاب، تهران، نشریه دادگستر.
۱۵. قربان وند، محمدباقر (۱۳۸۹)، « زمان و مکان تشکیل قرارداد الکترونیکی »، دو فصلنامه حقوق و سیاست : تابستان ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۲۹؛ از صفحه ۲۷۱ تا صفحه ۳۰۰.
۱۶. قناتی، دکتر جلیل (۱۳۸۳)؛ مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول، قم، نشر بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)؛ قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، جلد اول.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)؛ حقوق خانواده، تهران، نشر یلدا، چاپ اول، جلد دوم.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)؛ اعمال حقوقی، اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی دراک، چاپ دوازدهم.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم.
۲۱. معین، محمد (۱۳۸۱)؛ فرهنگ فارسی، تهران، نشر ندا، چاپ اول.

The role of offer and acceptance in commitment

1. Seyed Mohsen Yousefi Bdaf

2. Darius Babaei

Abstract

However, as we have already mentioned, is based on the principle of party autonomy, the parties intend essay exist in the world of credit contract, but to the effect of those conditions is required. The contract consists of two elements upon any offer and acceptance. What is certain is that the fulfillment of offer and acceptance may, plan parties, written or oral, verbal or practical as well as customary sequence in between these two words is true. The writer is going to go to law books and journals from library method to analyze and describe the issue.

Keywords: Offer, acceptance, determination, marriage, succession, silence.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop